

زنان و اشغال اسرائیلی:

سیاست تحول

Tamar Mayer, ed. *Women and The Israeli Occupation: The Politics of Change*.
London and New York: Routledge, 1994,
209 pages.

در کتاب «زنان و اشغال اسرائیلی:

سیاست تحول»، که توسط تامار مایر گردآوری شده و در ۱۹۹۴ به چاپ رسیده است، دوازده پژوهشگر، در یازده فصل مجزا و در

۲۰۹ صفحه کوشیده اند تا تأثیر رابطه نابرابر میان اشغالگر و اشغال شده را بر زندگی زنان فلسطینی و یهودی بررسی کنند. حدود سی سال اشغال نظامی نوار غزه و کرانه غربی

رود اردن توسط اسرائیل، رابطه ای مشابه با رابطه بین استعمارگر و مستعمره را به وجود آورده است، به نحوی که یهودیان اسرائیلی در

جایگاه قدرتمند و اعراب فلسطینی در سرزمینهای اشغالی در جایگاه مستضعف قرار داده شده اند. تامار مایر فصل نخست این کتاب را تحت عنوان «زنان و تصرف اسرائیلی:

زمینه ها» به رشته تحریر در آورده است. وی به مطالعه پیشینه تاریخی اختلاف فلسطینی ها و اسرائیلی ها پرداخته و بیان می کند که در پی

اشغال این سرزمین ها، حدود هشتاد درصد از اعراب فلسطینی به کشورهای عربی کوچ کردند و بقیه در درون کشور تازه ایجاد شده اسرائیل باقی ماندند. به رغم فروپاشی زیرساختارهای اقتصادی و اجتماعی منطقه در پی خروج دستجمعی هشتاد درصد از مردم،

رهبران اقتصادی و سیاسی و اندیشمندان عرب، «اعراب فلسطینی» ساکن مناطق اشغالی تهدیدی «امنیتی» برای اکثریت یهودیان در اسرائیل به شمار می آیند.

این اشغال نظامی بر هردو گروه زن و مرد عرب تأثیر گذاشته است، اما بیش از هر چیز مهم است که تأثیر این تصرف غیرقانونی بر زنان فلسطینی و یهودی مطالعه شود. فصل دوم با

عنوان «اشغال چه به روز زنان فلسطینی و اسرائیلی آورده است؟» در واقع گفتگویی است بین نئومی چازان^۱ عضو کنست

(پارلمان اسرائیل) و حزب مریس^۲ و دانشیار دانشگاه عبری بیت المقدس و مریم ماری^۳ مدیرکل مرکز آموزشی طفولیت و توسعه کودک عرب در اسرائیل. این دو، نظر و دیدگاههای شخصی خود را در مورد وضع زنان

عرب و یهودی بیان می کنند. در فصل سوم با عنوان «بین آزادی ملی و اجتماعی:

جنبش زنان فلسطینی در کرانهٔ باختری و نوار غزهٔ اشغالی»، سعادت‌دجانی^۴ مدرس مطالعات رفتاری و اجتماعی در کالج انتی‌اچ در اوهایو و نگارندهٔ مقاله‌هایی در مورد زنان فلسطینی و انتفاضه، تاریخچهٔ پیدایش جنبش زنان فلسطینی در مناطق اشغالی و شرایطی را که منجر به تلاش‌های زنان در فعالیتهای اجتماعی و ملی شد، بررسی می‌کند.

در فصل چهارم تحت عنوان «ملی‌گرایی شدت‌یافتهٔ فلسطینی: اشغال نظامی، سرکوبی، تفاوت و جنسیت»، تامار مایر می‌نویسد که اسرائیلی‌ها قادر نبوده‌اند که با تصرف نظامی خود، روحیهٔ ملی فلسطینی‌ها را کاملاً کنترل کنند. هرچه اسرائیل بیشتر کوشیده تا احساسات ملی فلسطینی‌ها را با اذیت و آزار، دستگیری و مقررات منع عبور و مرور تحت نظارت خود قرار دهد، این احساسات ملی (بویژه از هنگام آغاز انتفاضه) نمودی شدیدتر داشته است. مایر نقش تصرف نظامی اسرائیل در تقویت هویت ملی فلسطینی‌ها را بررسی می‌کند. سربازان اسرائیلی با ورود غیرمجاز و گستاخانهٔ خود به منازل فلسطینی‌ها،

خشم زنان عرب برضد اسرائیل را برانگیخته و تعهدشان را به ادامهٔ مبارزهٔ سیاسی فعال استحکام بخشیده است.

فصل پنجم «زنان اسرائیلی برضد اشغال: رشد سیاسی و دوام ایدئولوژی» نام دارد. نویسنده (داچ) طرفدار حقوق زنان و شهروندان اسرائیلی است و از دههٔ ۱۹۷۰ در فعالیتهای ضد اشغال و صلح مشارکت داشته است. وی ادعا می‌کند که انتفاضهٔ

فلسطینی‌ها زمینهٔ بیداری سیاسی زنان در اسرائیل را نیز فراهم آورده و آنان را به سوی فعالیت برضد اشغال نظامی و به نفع برقراری صلح سوق داده است. در دسامبر ۱۹۹۰ (حدود دو سال پس از شروع انتفاضه)، حدود شش هزار زن فلسطینی و اسرائیلی و زنانی از اروپا و آمریکا در بیت المقدس در راهپیمایی برای صلح شرکت کردند و از دولت اسرائیل خواستند تا گفتگوهای صلح را با ساف آغاز کند، با کنفرانس بین‌المللی صلح موافقت کند و اجازهٔ تشکیل یک کشور فلسطینی را در کنار اسرائیل بدهد (ص ۸۹). در این مقاله، نهادها، انجمن‌ها و مؤسسات غیردولتی ایجاد شده توسط زنان (از جمله زنان سیاه‌پوش، زنان برای زنان زندانی سیاسی، شانسی^۵ - زنان

برضد اشغال، تانندی^۶ - جنبش زنان
دموکراتیک و زنان برای همزیستی) معرفی
می شوند.

فصل ششم با عنوان «زنان فلسطینی در
اسرائیل: هویت در پرتو اشغال» نوشته
نبیله اسپانیولی^۷ یکی از زنان فعال در زمینه
صلح و طرفدار حقوق زنان در اسرائیل است که
در برنامه مطالعات زنان دانشگاه حیفا نیز
تدریس کرده است. وی به جنبه تاریخی
نقش های زنان فلسطینی در دوران عثمانی از
اوایل قرن شانزدهم تا ۱۹۱۸ و در دوران
انتقالی نمایندگی انگلستان
(۱۹۴۷-۱۹۱۸)، حکومت نظامی اسرائیل
بر جامعه فلسطینی به عنوان فرآیند
عقب افتادگی، وضع زنان فلسطینی در
اسرائیل پس از اشغال طی سالهای
۱۹۶۷-۱۹۷۵، فعال شدن زنان
فلسطینی در سالهای ۱۹۸۷-۱۹۷۵ و از
۱۹۸۷ (آغاز انتفاضه) تا به حال می پردازد.
زنان فلسطینی در اسرائیل در رویارویی با
موانع اجتماعی بسیاری قادر بوده اند که
به تحصیلات عالیه نایل آیند، در سال تحصیلی
۸۷-۸۶، حدود ۴۸ درصد از دانشجویان
فلسطینی شاغل به تحصیل در دانشگاه حیفا را

زنان تشکیل می دادند. حدود ۲۲ درصد از
فلسطینی هایی که موفق به کسب مدرک
لیسانس از دانشگاه های اسرائیلی شده بودند و
۳۲/۵ درصد از تمام دانشگاهیان عرب در
اسرائیل را زنان تشکیل می دادند.

«جبهه خانگی به عنوان صحنه نبرد:
جنسیت، اشغال نظامی و خشونت علیه زنان»
عنوان فصل هفتم است که توسط
سیمونا شارونی^۸ اهل اسرائیل و استادیار
دانشگاه آمریکایی و طرفدار حقوق زنان و صلح
ارائه شده است. شارونی، تأثیر اشغال نظامی
سواحل غربی و نوار غزه توسط اسرائیل
بر زندگی زنان، با توجه به رابطه بین ترتیبات
اجتماعی هویت های مبتنی بر جنسیت افراد و
روابط بین زنان و مردان در اسرائیل و از سوی
دیگر رابطه بین کاربرد خشونت در سرزمین های
اشغالی و در «جبهه خانگی اسرائیلی» را
مطالعه می کند. در این فصل، نقش برتری
جویانه نظامیان اسرائیلی در تمام جنبه های
زندگی اجتماعی اسرائیلی، پیامدهای
اجتماعی و سیاسی نظامی گرای و درگیری
خشونت بار در زندگی زنان در اسرائیل و در
قلمرو سرزمین های اشغالی به طرز انتقادی
بررسی می شود. زندگی در شرایط تصرف

کرانه باختری و نوار غزه در اقتصاد بازار از لحاظ حجم، مکان و مشاغل بسیار محدود شده است. در اکثر جوامع عرب، مشارکت زنان در اقتصاد بازار در سطح پایینی است و تنها به تازگی شروع به بالا رفتن کرده است. به طور مثال، نرخ فعالیت نیروی کار در بین زنان الجزایری ۴/۴ درصد (در مقایسه با ۴۲/۴ درصد بین مردان) است. این نرخ فعالیت در عراق برای زنان ۵/۸ درصد (برای مردان ۴۱/۶ درصد) و در کویت این نرخ برای زنان به ۱۳/۵ درصد (در مقایسه با ۴۸/۹ درصد برای مردان) می‌رسد. در اسرائیل نرخ مشارکت زنان عرب در اقتصاد بازار هم اکنون به ۱۵ درصد می‌رسد (در مقایسه با ۴۵ درصد در بین زنان یهودی). در واقع، این نرخ نه فقط در مقایسه با نرخ مشارکت زنان یهودی بسیار پایین است، بلکه در مقایسه با نرخ مشارکت زنان در بسیاری از کشورهای جهان نیز پایین است. بازار کار زنان عرب اکثراً محدود به مشاغل نیمه حرفه‌ای «بچه سفیده» مانند معلمی، پرستاری و مددکاری اجتماعی می‌شود که برای زنان عرب مناسب در نظر گرفته شده است.

نکته مهم یافته‌های موشه سیمینوف

نظامی همانند زندگی در یک وضع دائمی جنگ است، با این تفاوت که هیچ امیدی به یافتن مخفیگاه و یا آتش بسی وجود ندارد. فلسطینی‌ها با واقعیت خشونت بار و سرکوب کننده اشغال از ۱۹۶۷ به بعد زندگی کرده‌اند. تنها با شروع انتفاضه در دسامبر ۱۹۸۷، این شرایط ناگوار رفته رفته آشکار شد و در معرض دید عموم قرار گرفت. بررسی اذیت و آزار و خشونت بر ضد زنان فلسطینی، به برنامه گروههای صلح و حقوق بشر زنان در اسرائیل اضافه گردیده است. از انتفاضه تا به حال، نهادهای «زنان برای زندانیان سیاسی زن»^۹ در تل‌آویو و بیت‌المقدس، شکایات بی شماری از اعمال خشونت بار و غیرانسانی نیروهای نظامی اسرائیل علیه زنان فلسطینی در سرزمینهای اشغالی دریافت کرده است. این اعمال نه تنها در حین بازجویی‌ها، بلکه در گشت‌های خیابانی و سرکوب تظاهرات نیز انجام می‌شوند.

«روند مشارکت نیروی کار و تفاوت شغلی مربوط به جنسیت» عنوان فصل هشتم توسط موشه سیمینوف^{۱۰} رییس دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه تل‌آویو نگارش یافته است. وی ادعا می‌کند که مشارکت زنان عرب

این است که نرخ مشارکت زنان عرب در سواحل غربی و نوار غزه از ۱۹۷۰ کاهش یافته و نرخهای مشارکت مردان در همین دوره زمانی افزایش پیدا کرده است. از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ به بعد، شمار روز افزونی از اعراب و اکثر مردان ساکن سرزمینهای اشغالی در اسرائیل به کار اشتغال یافته اند. در اواسط ۱۹۸۰، بیش از یک سوم از نیروی کار سواحل غربی و نوار غزه در اسرائیل شاغل بوده اند. اکثر این افراد به کارهای نیمه ماهر، غیر ماهر و ساده مشغول بوده و هر روز بین منازل خود و محل کارشان رفت و آمد می کرده اند. به دلیل باورها و ارزشهای سنتی غالب بر جامعه عرب، کارگران زن بسیار نادری می توانستند به دنبال فرصتهای شغلی در اسرائیل باشند. در نتیجه زنان در خانه های خود و در قلمروی تحت تصرف اسرائیل جایی که سطح توسعه پایین مانده و فرصتهای اشتغال کمیاب هستند، باقی مانده اند. در ۱۹۷۰، نرخ مشارکت زنان عرب در بازار کار ۱۰/۶ درصد بود و در ۱۹۸۹ به ۵٫۷ درصد کاهش یافت. سهم زنان از نیروی کار فعال از ۱۶ درصد در ۱۹۷۰ به ۱۰/۱ درصد در ۱۹۸۹ تنزل پیدا کرد. نکته دیگر آن است که

ترکیب شغلی نیروی کار در مناطق اشغالی هم دچار تحول شده است. برجسته ترین تغییرات در کاهش اندازه جمعیت فعال در بخش کشاورزی و افزایش در جمعیت شاغل در کارهای (ماهر و غیر ماهر) ساده است. مردان عرب مشاغل کشاورزی خود در قلمروی اشغالی را ترک کرده اند تا به کارهای ساده و یدی در اسرائیل مشغول شوند.

فصل نهم با عنوان «زنان دستفروش خیابانی: پدیده بسطات» در اقتصاد غیر رسمی فلسطینی را سوبا هندیه-مانی^{۱۲} و عفاف غزاونه^{۱۳} و صبحیه ادريس^{۱۴} به رشته تحریر در آورده اند. در این فصل پدیده کار زنان در بسطات (دستفروشی سبزیجات، میوه ها و سایر کالاها در پیاده روها و کنار جاده های شهرها و اردوگاههای پناهندگان فلسطینی) مورد مطالعه قرار می گیرد. فشارهای اقتصادی وارد آمده بر خانواده های فلسطینی برای بقا، بر اثر اشغال نظامی اسرائیلی و ضرورتهای سیاسی جدا شدن از اقتصاد اسرائیلی، ورود زنان فلسطینی به اقتصاد بازار غیر رسمی از طریق کار بسطات را تشویق کرد. بر اثر سیاستهای اشغالگران اسرائیلی از ۱۹۶۷ تا کنون (به طور مثال تصرف

زمین، محدودیتهای آبیاری کشتزارها و رقابت با کالاهای کشاورزی اسرائیلی)، مردان فلسطینی به گونه‌های متفاوتی به کار با دستمزد (به‌طور عمده در اسرائیل) وابسته شدند.

در فصل دهم، کارن عساف^{۱۵} در مقاله‌ای با عنوان «مشکلات محیط‌زیستی تأثیر گذار بر زنان فلسطینی تحت اشغال» بیان می‌دارد هر بار که حمله نظامی اسرائیلی‌ها منجر به خروج دستجمعی فلسطینی‌ها از سرزمین آبا و اجدادیشان شد، زنان عرب فلسطینی سهم نابرابری از بار جابجایی و خو گرفتن به محیطی جدید را بر دوش گرفتند. این زنان ساکن مناطق اشغالی، ناگزیر بوده‌اند تا با تغییر ناشی از اشغال اسرائیل در راه و روش زندگی کشاورزی و نابرابری در توزیع و دسترسی به منابع طبیعی دست‌وپنجه نرم کنند. محدودیتهای وارد آمده بر اثر اشغال نظامی اسرائیل سبب استفاده بیش از حد و استفاده نادرست از منابع طبیعی شده و به سلامت و استاندارد زندگی فلسطینی‌ها آسیب وارد کرده است. حکومت اشغالگر اسرائیل محدودیتهایی را برای استفاده از زمین توسط فلسطینی‌ها تعیین کرده و توانایی

مراکز قدرت فلسطینی برای کنترل و تنظیم خدمات عمومی، توسعه زیرساختارهای اساسی و ساخت منازل را محدود ساخته است. ترکیب تلاشهای اسرائیل برای کاهش منابع طبیعی در دسترس فلسطینی‌ها در مناطق اشغالی و جلوگیری از استقلال فلسطینی‌ها، مشکلات جدی محیط‌زیستی را به وجود آورده است که بسیاری از آنان بویژه بر دشواری زندگی زنان ساکن سرزمینهای تحت تصرف دولت اشغالگر اسرائیلی افزوده است. کمبود آب برای مصرف داخلی و کشاورزی فلسطینی‌ها، کمبود زمین برای گسترش مسکن فلسطینی و برای زمینهای کشاورزی و چراگاههای فلسطینی، کمبود آب و آلودگی آن، کمبود فاضلاب و خدمات گردآوری زباله، استفاده نادرست از مواد کشنده آفات نباتی و حشرات و سایر مواد شیمیایی کشاورزی، آلودگی صدای ناشی از مزارع و کارخانه‌های همجوار اسرائیل از جمله مشکلاتی‌اند که نگارنده به تحلیل آنها می‌پردازد.

آخرین فصل با عنوان «سیاست فمینیست^{۱۶} (طرفداری از حقوق زنان) و خدمات درمانی: مورد، زنان فلسطینی تحت اشغالی اسرائیل ۱۹۸۲-۱۹۷۹» توسط

الیس جی. یانگ^{۱۷} مورخ مسائل خاورمیانه و بویژه اختلاف اعراب و اسرائیل تهیه شده است. در دوره زمانی ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲، نظامیان اسرائیلی سیاست استفاده از بهداشت به عنوان ابزار جنگ (آغاز شده در ۱۹۶۷) را ادامه دادند. زنان فلسطینی به دلایل گوناگون از جمله درآمد ناکافی یا عدم توانایی در دسترسی داشتن به درآمد، بویژه از این سیاست‌ها رنج برده‌اند. از یک سو، اشغالگران اسرائیلی مانع از توسعه خدمات بهداشتی و درمانی در مناطق اشغالی شده‌اند تا فلسطینی‌ها را به خدمات پزشکی در اسرائیل وابسته نگه‌دارند و از سوی دیگر، دولت اسرائیل با برنامه‌ای دقیق و از پیش تعیین شده فلسطینی‌ها را از دسترسی به چنین خدماتی محروم ساخته است. در آغاز انتفاضه، وزیر دفاع وقت، اسحاق رابین، شمار تخته‌ها در بیمارستانهای اسرائیلی را برای فلسطینی‌ها کاهش داد و از خدمات درمانی به عنوان ابزار جنگ استفاده کرد تا به جای نجات دادن جان عربها، از مرگ آنها اطمینان حاصل شود. به رغم نیاز شدید به پزشک، ترتیباتی برای اشتغال افراد فلسطینی حرفه‌ای و ماهر در زمینه‌های پزشکی و درمانی وجود نداشت و

بیمارستانهای دولتی اسرائیل در مناطق اشغالی، حتی المقدور کمترین تعداد پزشک را به استخدام درمی‌آوردند. در سال ۱۹۸۶، نرخ پزشک به جمعیت در کرانه باختری و نوار غزه، هشت پزشک به هر هزار نفر فلسطینی بود؛ در مقایسه، این نرخ در اسرائیل بیست و هشت پزشک به هزار نفر و در اردن بیست و دو پزشک به هزار نفر بود. در سالهای پیش از انتفاضه، حدود صد پزشک در کرانه باختری بیکار بودند، در حالی که پزشکان «آژانس امداد و امور عمومی سازمان ملل متحد»^{۱۸} باید در ظرف ۴ تا ۶ ساعت، ۷۰ تا ۱۲۰ بیمار (یعنی هر بیمار در سه دقیقه) را معاینه می‌کردند. یکی از پیامدهای بهداشتی حکومت نظامی برای فلسطینی‌ها، برخورد روزانه آنها با سربازان مسلح اسرائیلی بوده است. هزاران فلسطینی زن و مرد هم‌اکنون به عنوان زندانیان سیاسی، تحت شرایط خطرناک بهداشتی به سر می‌برند. از ۹ دسامبر ۱۹۸۷ تا ۳۱ مارس ۱۹۹۲، سربازان اسرائیلی ۱۰۳۲ فلسطینی را کشته و ۱۲۱۰۹۶ فلسطینی دیگر را مجروح کردند. در دوره زمانی ۹ دسامبر ۱۹۸۷ تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۰، نودوشش زن فلسطینی (برخی از آنها

شرایط زندگی زنان فلسطینی تحت حکومت اشغال اسرائیل در سواحل غربی رود اردن و نوار غزه، از ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۳، آشکار می‌سازد.

دکتر سعیده لطفیان

1. Naomi Chazan
2. Meretz
3. Mariam Mari
4. Souad Dajani
5. Shanti
6. Tandi
7. Nabila Espanioly
8. Simona Sharoni
9. Women's Organizations For Women Political Prisoners (WOFPP)
10. Moshe Semyonov
11. Bastat
12. Suba Hindiyeh-Mani
13. Afaf Ghazawneh
14. Subhyeh Idris
15. Karen Assaf
16. Feminist
17. Elise G. Young
18. U. N. Relief and Works Agency (UNRWA)

پاورقی‌ها:

در تظاهرات، برخی هنگام آمدن از مدرسه به خانه و برخی در خارج از منازل خود و هنگام رخت‌پهن کردن) توسط نیروهای اسرائیلی کشته شدند. بیش از ۲۰۰۰ زن فلسطینی نیز دستگیر شده و در بازداشتگاه‌ها به سر برده‌اند. اما ورود غیرمجاز و تجاوز نظامی اسرائیل به دهکده‌ها، اردوگاه‌های پناهندگان و منازل فلسطینی‌ها، حس هویت ملی زنان فلسطینی را تقویت کرده است. این زنان کوشیده‌اند تا با توسعه نهادهایی مانند «پروژه بهداشت زنان» نیازهای درمانی و بهداشتی خود را تأمین کنند.

وابستگی اقتصادی فلسطینی‌ها بر اسرائیل از پیامدهای اشغال نظامی و سیاستهای اسرائیل است که از یک سورشده اقتصادی مناطق اشغالی را محدود ساخته و از سوی دیگر با به کار گرفتن دهها هزار فلسطینی در بازار کار اسرائیل به ازای دستمزدهای ناچیز، به توسعه اقتصادی اسرائیل کمک کرده و باعث عقب ماندگی فلسطینی‌ها شده است. این کتاب برای دانشجویان و پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعات زنان، مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه، جغرافیا و علوم سیاسی مفید است و حقایقی را درمورد